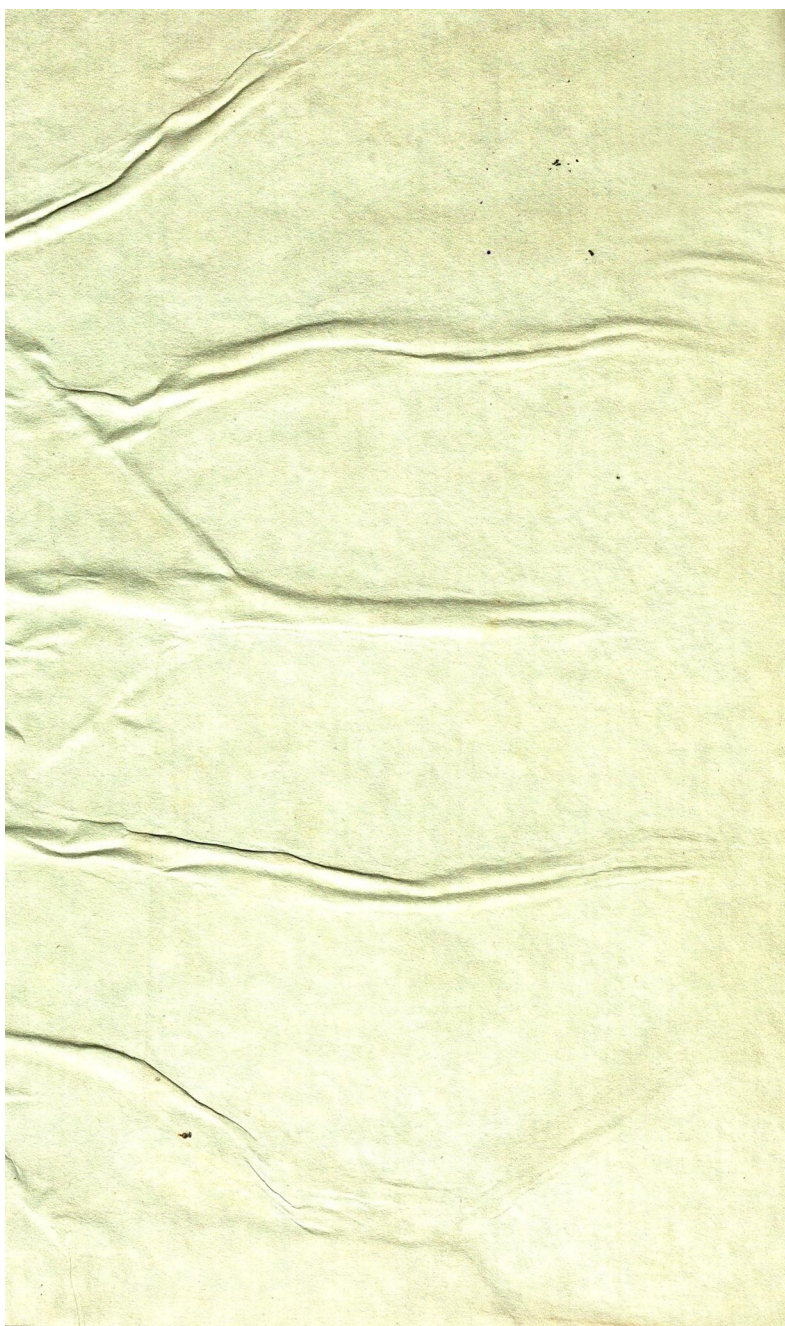
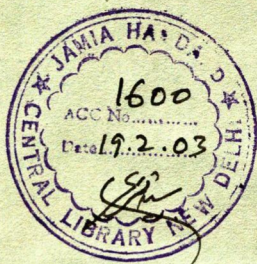
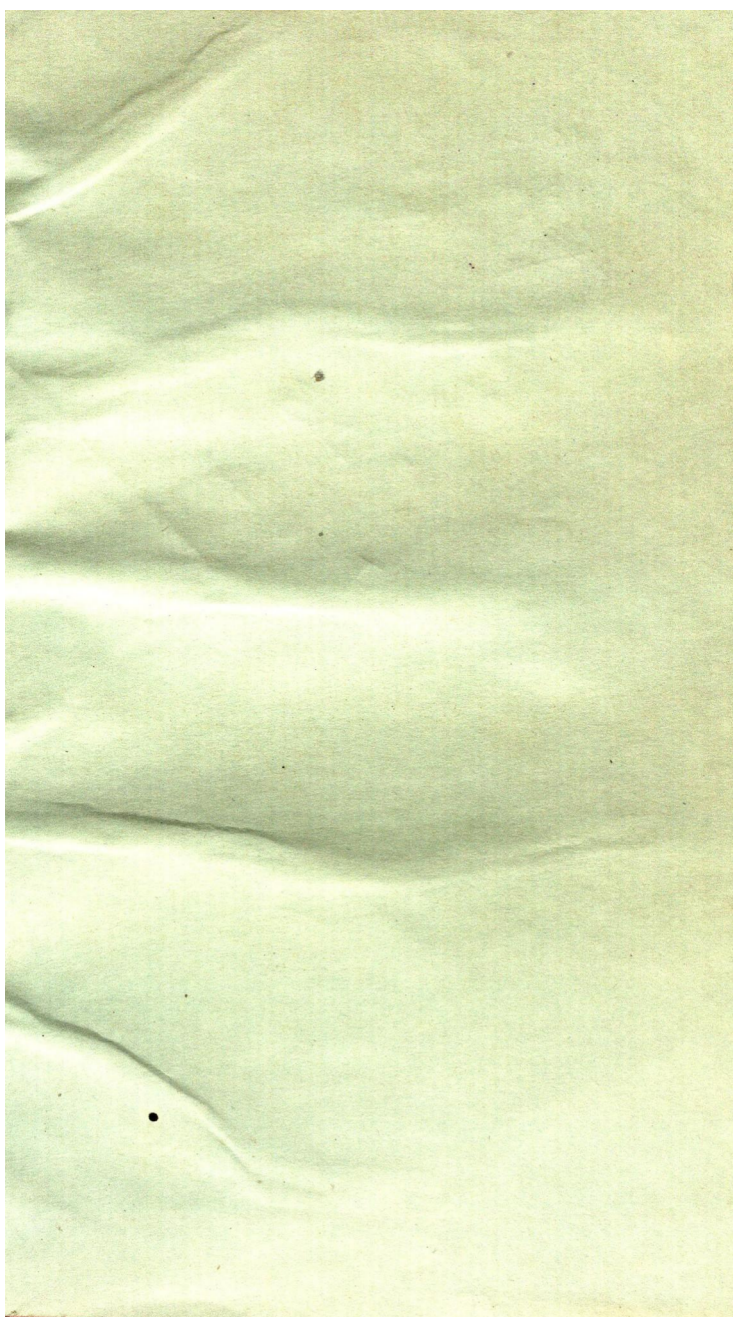




al 0/2)



S-23
T902



[illegible]

فصل در خط و انصاف
و انصاف در خط



و گویند بر سر خط خوانند و آن طوطی باشد فی عرض و اگر در دو جهت نسبت به
بسی در طول و عرض در محلی نسبت به هر دو است و خوانند اگر در طول و عرض در محلی
نماند از اجسام خوانند و خط مستقیم نوزد با خطی مستقیم آن بود که به نقطه که بر او عرض
کرد برابر یک باشد و می آن بود که نه چنین باشد و به خط خط باشد و سطح
مستوی بود و یا غیر مستوی مستوی این بود که هر خط مستقیم که بر او باشد میان هر دو
که بر او فرض توان کرد و در همه جهت آن خط از آن سطح بر وزن شود و به نام
خط بود و هر سطح که دو خط را در میان گیرد و هر یک از آن دو خط را به خط مستقیم
یک خط کند آن سطح را در موضع اتصالی آن دو خط را دیده خوانند و هر دو باشد که
مستقیم باشد و خوانند که بود و چون خطی می باشد سطحی محاط شود چنانکه در میان آن
سطح لفظ درین توان کرد که هر خط مستقیم که از آن لفظ میان خط راست و غیره
مستوی خوانند و سطح را در همه جهت خوانند و این خط را محیط خوانند و هر یک از آن
خطها نصف خط خوانند و اگر در دو جهت بخیزد رسیده و قوت باشد و آن دایره را دایره خوانند
و اگر خطی مستقیم دایره را بدو ناره منقسم کند و بر هر ناره دایره را که از محیط باز کند از
قوس خوانند و هر سطح که خطها را محیط باشد از آن شکل سطح خوانند پس اگر خط بود
از امتداد خوانند و اگر چهار بود در هر یک و برین قیاس و هر سطح که مستقیم باشد

فصل در خط